

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس خان کندوله‌ای کرمانشاهی

خلیل بیگ‌زاده*

شهناز گراوندی**

چکیده

الماس خان کندوله‌ای کرمانشاهی از شاعران حماسه‌سرای بومی و محلی است که داستان‌های حماسی و غنایی فراوانی را به زبان کردی گورانی سروده است و یکی از این منظومه‌های حماسی، «رستم‌نامه» است که شرح نبردهای سپاه ایران به سپهسالاری رستم با سپاه دیوان به سرکردگی زنون جادو می‌باشد. این مقاله با هدف تبیین و تحلیل شخصیت قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و نتایج آن نشان می‌دهد که قهرمانان و ضد قهرمانان در این منظومه حماسی اگر چه در نبردهای فیزیکی و تن به تن و نیز بهره‌گیری از ابزارهای نبرد و شیوه‌های جنگاوری شیوه‌ای تقریباً یکسان دارند و در نبردها با یکدیگر هم‌بهری می‌کنند؛ اما هدفی دوگانه دارند، چنان که قهرمان با تکیه بر نیرویی اهورایی و آنسری برای احیای منش، دادگری، سخاوت، رادمردی و شهامت می‌جنگند که نیاز جامعه بشری در همه دوران‌هاست، اما ضد قهرمان نماینده اهریمنی، تاریکی، بدمنشی، فریب، دشمنی و ... است. هم‌چنین شاعر گاهی در شخصیت قهرمان و یا ترسیم عملکرد او در نبرد و غیر آن، خواسته‌های خود را به نمایش می‌گذارد و گویی قهرمانان این داستان حماسی، وسیله‌ای و پوششی برای بیان دیدگاه‌های بشردوستانه الماس خان کندوله‌ای و یا نوع بشر است که این گونه افسانه‌ها و داستان‌های حماسی و آیینی از ذهن و زبانش تراویده است.

کلیدواژه‌ها: الماس خان کندوله‌ای، رستم‌نامه، شعر کردی، قهرمان و ضد قهرمان، تحلیل شخصیت.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

Email: kbaygzade@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۴

۱. مقدمه

شاعران و نویسندگان بزرگ از روزگاران پیشین آثاری آفریده‌اند که سند معتبر تاریخ حیات، فرهنگ، فکر و اندیشهٔ مردمانی است که خود آفرینندگان اصلی رخدادها و محتوای این آثار بوده‌اند، اما شاعران و نویسندگان ماندگاری آن‌ها را در هزارتوی هزاره‌ها رقم زده‌اند. مردم ایران زمین این آثار را مایهٔ مباحث دانسته و از آن با نقل داستان، قصه و روایت پاسداری کرده و در اذهان محفوظ داشته‌اند؛ چنان‌که سینه به سینه و نسل به نسل به علاقه‌مندان پس از خود منتقل کرده‌اند. منظومهٔ حماسی «رستم‌نامه» الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی یکی از این آثار است که نگارندگان این مقاله آن را گردآوری و تصحیح کرده‌اند. میرزا الماس‌خان کندوله‌ای (۱۱۱۸ تا ۱۱۹۰ یا ۱۲۰۰)، شاعر حماسه‌سرای کردزبان پس از گذراندن دورهٔ سپاهی‌گری در سپاه نادرشاه، سال‌های واپسین عمر خود را در روستای کندوله - که نادرشاه او را به آنجا تبعید کرده بود- گذراند. وی دوران تبعید خود را با سرودن داستان‌های حماسی و غنایی به زبان کردی گورانی سپری کرد. داستان‌هایی که یا برگردانی آزاد از داستان‌های شاهنامهٔ حکیم ابولقاسم فردوسی هستند و یا برخی متون و منابع دیگر آبخشور اصلی این شاعر حماسه‌سرا به زبان کردی گورانی بوده‌است.

شاعران برجستهٔ کردی‌سرا و فارسی‌گویی از کندوله برخاسته‌اند که از آن جمله الماس‌خان کندوله‌ای شاعر بزرگ کرمانشاهی است (رک. سلطانی، ۱۳۷۲: ۶۴۲). الماس‌خان در سال ۱۱۱۸ ه.ق. در ده کندوله از توابع کرمانشاه چشم به جهان گشود. او اهل کندولهٔ بیلوار و از اهالی تیره‌های محلهٔ وسط «سمایله» بوده‌است. کلنل الماس‌خان از شاعران برجستهٔ کردی‌سرای عصر نادری است که با آمیختن رزم و بزم اثر جاویدان «نادر و توپال» رومی را به رشتهٔ نظم کشیده‌است. سرهنگ الماس‌خان را الماس‌خان کردستانی و میرزا الماس‌خان هم گفته‌اند و به هر سه نام شهرت داشته‌است. البته این نام با «الماس‌خان کردستانی» که «صدیق بوره‌که‌ای» در کتاب ادبیات کردی از او نام برده‌است، تفاوت دارد؛ اگر چه زندگی او تقریباً شبیه به زندگی الماس‌خان کندوله‌ای است. اما الماس‌خان کردستانی در دورهٔ قاجاریه می‌زیسته‌است و الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی در دوران پادشاهی نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق) وارد سپاه نادر شد و فرماندهی سپاه سنندج را در جنگ میان نادر و سپاه عثمانی به فرماندهی «توپال عثمان‌پاشا» بر عهده داشت. تیپ سنندج در این جنگ بر اثر حرکت به ظاهر تخلف کلنل الماس‌خان مجبور به عقب نشینی شد و سپاه نادر شکست خورد و از استقرار نظم مجدد عاجز ماند (رک. یزدان‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۸). نادر پس از این شکست، سردار وفادار خود را که عمری برای او خدمت کرده بود، به شدت تنبیه و مجازات و همراه سه دخترش به منطقهٔ بیلاقی کندوله تبعید کرد (رک. گجری، ۱۳۷۳: ۲۳).

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی ۳

وقتی که با الماس‌خان این گونه بی‌مهری می‌شود، در منطقه کندوله که مکان امن و راحتی برای او می‌باشد، اقامت می‌گزیند و شمشیر را کنار می‌گذارد و قلم به دست می‌گیرد و با روی آوردن به شعر و شاعری به سرودن داستان حماسی و غنایی سرگرم می‌شود (رک. صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). الماس‌خان در نیمه دوم قرن دوازدهم یعنی حدود سال ۱۱۸۰ قمری در قید حیات بوده و احتمالاً در فاصله سال‌های ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۰ در کندوله بیلوار فوت کرده‌است. وی معاصر و دوست میرزا شفیع کلیایی، شاعر عصر نادری که در نیمه دوم قرن دوازدهم در اوج شهرت بوده‌است (همان، ۱۳۸۰: ۱۷۷)، بوده و با او مشاعره و مکاتبه داشته‌است (رک. آزادی، ۱۳۸۸: ۹).

۲. بحث اصلی

۱. ۲. شخصیت قهرمان

شخصیت پژواک ذهن و خواسته گوینده داستان برای نمود درون در بازخوردهای محیطی است و به همین دلیل مخلوق ذهن خالق داستان است. «شخصیت در اثر روایی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند؛ وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کنند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۸۴). شخصیت برجسته‌ترین عنصر داستانی در داستان‌های حماسی و «جان داستان است و داستان بدون شخصیت همچون جهان است پیش از پیدایش انسان که حتی اگر زیباتر از زیباترین رویاهای شاعران هم بود، کسی نبود که زیبایی‌های آن را درک کند و بستاید. جهان بدون انسان بی‌لطف و بی‌معناست و داستان بدون شخصیت تصور ناپذیر است» (غفوری، ۱۳۸۸: ۱۹۷). شخصیت‌های فراوانی در منظومه حماسی رستم‌نامه نقش‌آفرینی می‌کنند که نیمی واقعی و انسانی و نیمی دیگر وهمی یعنی دیو هستند. شخصیت‌های انسانی در این منظومه غالباً در نقش قهرمان ظاهر می‌شوند، اما دیوان همگی جز یک مورد (زرعلی) ضد قهرمان هستند و زرعلی شخصیتی مثبت و یاور قهرمان اصلی داستان یعنی رستم است.

قهرمان کسی است که دارای ویژگی‌های سلحشوری، گذشت، عشق، آزادی، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی است. او نیز می‌تواند مرتکب اشتباه شود، اما بر اشتباه خود باقی نمی‌ماند، آنگاه که به حقیقت ماجرا پی می‌برد، سعی در اصلاح دارد. هم‌چنین از دیگر خصوصیات او گرایش به راستی و درستی است که برای نیل به آن حتی از مرگ نمی‌هراسد و تا فداکردن جان خویش پیش می‌رود. او نماد ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، وطن‌دوستی و یاری‌گری مظلوم است؛ اما ویژگی‌های منفی ضد قهرمان بیش از ویژگی‌های مثبتش است؛ او همواره سرشکسته، محکوم و در نقطه مقابل قهرمان است و خصلت‌هایش اهریمنی است،

با جادوگری و حيله‌گری سروکار دارد و در برابر قهرمان دست به هر کاری می‌زند و در پشت توطئه و نیرنگ پنهان می‌شود، از این رو گاه به منظور کاستن قدرت و نیروی قهرمانان و گاه به منظور تحقیر به میدان آمده و با او درگیر می‌شود. می‌توان گفت ضد قهرمان شخصیتی منفی و اهریمنی است که در برابر قهرمان چنان شخصیتی مثبت و اهورایی می‌ایستد تا حماسه پدید آید.

۲. ۱. ۱. قهرمان (Hero)

«Hero» (به معنی قهرمان) واژه‌ای یونانی به معنای محافظت‌کردن و خدمت‌کردن است. قهرمان یعنی کسی که آماده است تا نیازهای خود را فدای دیگران کند. بنابر این مفهوم قهرمان در اساس مرتبط با مفهوم ایثار است که در روانشناسی فروید آن را ایگو (ego) می‌نامد (رک. ووگلر، ۱۳۸۷: ۵۹). «قهرمان شخصیتی اصلی در اثر ادبی است که در مرکز توجه خواننده یا بیننده قرار می‌گیرد، قهرمان با صفات برجسته و والای اخلاقی و با خصوصیت‌های تحسین برانگیز جسمی مشخص می‌شود و در صورتی که شخصیت اصلی اثری فاقد چنین خصوصیتی باشد، از او به عنوان ضد قهرمان یاد می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۴۸۸). از قهرمان به مثابه انسانی برتر و بهتر یاد می‌شود که هم می‌تواند فعل خطایی از او سرزده، شکست خورده و مغلوب باشد و هم می‌تواند به دور از اشتباه و شکست باشد. ما به سبب هم‌دلی و علاقه‌ای که به قهرمان داریم، نمی‌خواهیم او را شکست خورده ببینیم و او را عاری از هرگونه خطا و اشتباه می‌دانیم. قهرمان کسی است که به راستی گرایش داشته و عدالت می‌خواهد و از مرگ نمی‌هراسد. او بر انجام کارهای بزرگ تواناست و اگر هم نباشد، سلحشور است و به راستی و آزادی باور دارد. از خصوصیات بارز قهرمان می‌توان به مکالمه او با سپهر بلند و چرخ گردون اشاره کرد که به طور مکرر در منظومه «رستم‌نامه» به چشم می‌خورد.

قهرمان کسی است که می‌تواند در همه آفاق حضور داشته و هیچ گونه محدودیتی ندارد، همان طور که زرعلی از قهرمانان این منظومه، در یک چشم بر هم زدن مسافتی طولانی را می‌پیماید، هم چنین از دیگر ویژگی‌های قهرمان، خواب‌های صادقه‌ای است که می‌بیند؛ آنجا که زال زر زخمی شدن سام ثانی و گرفتاری فرامرز و جهانگیر را به خواب می‌بیند، یا زمانی که فرامرز و برزو گرفتار بند سپاه عظیم شاه هستند، فرامرز آمدن رستم را برای رهایی خود از بند به خواب می‌بیند. قهرمان با این رویکرد در هاله‌ای از عظمت و وقار احاطه است. گاهی برخی قهرمانان در نبردها برای پیروزی دست به سلاح نمی‌برند؛ چنان‌که «زال» همواره با دعا و نیایش کارها را پیش می‌برد. شخصیت‌های منظومه حماسی رستم‌نامه، در راستای تحصیل استقلال، دفع دشمنان و بداندیشان و کسب نام به مقابله با دشمنان پرداخته و حماسه‌های شورانگیزی را خلق کرده‌اند که در این پژوهش بنابر نقش‌آفرینی و ایفای نقش در دو گروه شخصیت‌های اصلی و فرعی دسته‌بندی می‌شوند.

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی ۵

الف) قهرمان‌های اصلی: اشخاصی که در داستان نقش اصلی را بر عهده دارند و ماجرای اصلی داستان را پیش می‌برند و یا از تقابل و جدال آن‌ها حماسه ایجاد می‌شود، در آرمان و بی‌آرمانی شگفت‌انگیز هستند و در قهرمانی و ضدقهرمانی به مطلق نزدیک شده‌اند:

رستم: شخصیتی است که سازنده اکثر نبردهای حماسی و این منظومه حماسی است که صفاتی چون «کوور نمائی خاقان»، «خه‌فیف نمائی توور»، «تاج‌به‌خش شاهان»، «به‌ور سه‌رئه‌فراز»، «تووران خراوکه‌ر»، «شیر تاج‌به‌خش»، «پوور زال زهر»، «جهان په‌هله‌وان» و «ئه‌لبورز کووه» و ... توصیف شده‌است:

کوور نمائی خاقان خه‌فیف نمائی توور	پراکه‌نده‌که‌ر چه‌غانی فه‌غفور (۶۰۰/۵۶)*
parākandakar, çayāni faʿfour	kournemāe xāqān, xafifnemāe tour
تاج‌به‌خش شاهان رُو کردش وه رَه‌زم	کرده‌ش ته‌ماشائِ سه‌یر به‌زم و جه‌زم (۲۲۰۵/۱۵۲)
kerdaš tamāšae sae r-e bazm-o jazm	tājboxš-e šāhān rū kerdeš wa fāzm

اصلی‌ترین نقش در پیشبرد حوادث این منظومه بر عهده رستم است، او پهلوان است و هر جا که لازم باشد خود را آماده کرده و به میدان می‌آید. او انسان خداپرستی است که ایمان بی‌چون و چرایی نسبت به حقایق، راستی، عشق، میهن و مرگ دارد که راز قدرت او در همین ویژگی‌هاست. گاهی برخلاف روال اصلی حماسه اگر چه سستی از قهرمان به دور است، او را شخصیتی می‌بینیم که در مقابل دشمن، درمانده می‌گردد و به مرز شکست نزدیک می‌شود که در چنین هنگامه‌ای، زال با دعای خود به درگاه پروردگار، پیروزی او را خواستار و او پیروز می‌شود.

زرعلی: دیو در منظومه حماسی رستم‌نامه شخصیتی منفی و ضد قهرمان است؛ اما زرعلی شخصیت مثبتی است که در کنار دیگر شخصیت‌های مثبت، ظاهر شده و در تمام نبردها و موقعیت‌های حساس و مشکل، یار و یاور قهرمان اصلی داستان (رستم) است. بارزترین ویژگی او سرعت زیاد در طی مسافت‌های طولانی است؛ چنان‌که او به هنگام حمله افراسیاب به ایران، در چشم به هم زدنی تمام مناطق از جمله مرغزاران، کوه‌ها، دشت‌ها و ... را در جست‌جوی رستم درمی‌نوردد:

نه‌را ته‌ئی کردن نه‌و بی‌ مسأل بی	ساتی سه‌ده فه‌رسه‌خ راش نه خیال بی (۲۳۳/۳۵)
sāte sad farsax fāš na xe'āl bi	na fā taē kerden aw be mesāl bi

* برای پرهیز از تکرار غیرضروری و با مجوز سردبیر محترم مجله، ارجاع به رستم‌نامه را بدین شکل آوردیم. در اینجا و دیگر موارد مشابه، عدد سوی راست به شماره صفحه و عدد سوی چپ به شماره بیت اشاره دارد.

طوس: شخصیتی است که بیشتر با دو صفت «زه‌پین پوش» و «زه‌پین که‌فش» معرفی می‌گردد. قهرمانی که از ابتدا تا پایان منظومه حضوری مؤثر دارد:

سجده برد نه پائی ژدها دره‌فش وه‌ندش نامه‌ی نه‌زم شاه زه‌پین که‌فش (۱۶۸۰ / ۱۱۹)
sejda berd na pāē eždehā derafš wandeš nāmae' nazm-e šāh-e za'īn kafš

هر جا نبردی است، او نیز حضور دارد؛ اگرچه در آن نبرد به میدان نرفته باشد. او پس از شکست سپاه تورانیان از ایرانیان مدت زمانی را به عنوان پادشاه در ملک توران می‌ماند. پس از لشکرکشی سپاه غورث شاه و در زمان پادشاهی او نبردهای زیادی صورت می‌گیرد و پس از شکست از سپاهیان غورث شاه به ایران زمین نزد رستم باز می‌گردد:

تووس بی پادشاه نه ملک تووران زه‌واره چه‌نی نامی ده‌لیران (۸۶۶ / ۷۲)
tous bi pādešāh na mek-e tourān zawāra čane' nāme dale'rān

فرامرز: فرزند رستم، پهلوانی ایرانی است که از ابتدا تا انتهای داستان حضور پررنگی دارد و اولین نبرد در این حماسه به به فرماندهی او انجام می‌گیرد که در صحنه پایانی داستان همراه برزو اسیر سپاه عظیم‌شاه می‌شود و رستم او را می‌رهاند. وی دارای اعتماد به نفس و هوش سرشاری است و خصوصیت بارز او گفت و گو و مناجات با سپهر گردون و دیدن خواب‌های صادقه است؛ چنان‌که برزو گرفتار سپاهیان دشمن می‌شود، او از درگاه باری تعالی کمک خواسته و از او یاری می‌طلبد:

فهرام‌رز واتش یا دانای نه‌کهر پادشای شاهان هه‌ی ته‌وانگهر
داده‌س بی‌که‌س فه‌ریادره‌س عام نه‌ر یاوای وه داد وه‌رنه بیم تمام (۳۹۸۸، ۳۹۸۹ / ۲۶۷)
fārāmarz wāteš yā dānāe' akbar pādešāe' šāhān hai-e tawāngar
dādās-e be'kas faryādās-e ām ar yāwāi wa dād warna bim tamām

برزو: پهلوانان جوان ایرانی و فرزند سهراب است که چون پدر با سن کم، نیروی بسیار دارد و مانند دیگر پهلوانان ایرانی دم از شجاعت و میهن‌دوستی می‌زند و دفاع از میهن و مرز و بوم را مایه مباهات خویش و فرار از دشمن را ننگ می‌داند؛ آنجا که پس از نبرد اول رستم و زنون دیو، رستم خسته و درمانده گشته و دم از شجاعت و زور بازوی حریف می‌زند، زال فرار را به فرزندان خویش پیشنهاد می‌کند و راه نجات اولاد خویش را در فرار می‌داند؛ اما برزو خشمگین از حرف زال می‌گوید: عمر چند روزه آدمی ارزش این را ندارد که خود را روسپاه خلق و زمانه کند:

به‌رزو وات نه‌ی باب بزرگه‌وارم سهردار روی پوزم نه‌کاره‌زارم (۲۱۱۴ / ۱۴۵)
مهر عمر که‌سیف تا وه چه‌ند ساله‌ن رایی گوریز لیمان عه‌قل مه‌حاله‌ن

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم نامه» الماس خان کندوله‌ای کرمانشاهی ۷

barzou wāt ae' bāb bezergawārem sardār-e roué fāzm na kāržārem

mar emr-e kasif tā wa Ćand sāfan fāe' gwre'z lymān aql-e mahāfan

کس نمه مانوو، نیک نامی بهرجان هه کس مه گریزوو جه مع روو سیان (۲۱۱۹/۱۴۶ و ۲۱۲۰)

kas nemamānou, nikhāmi barjān har kas magrizou jame fousyān

جهاندار و جهانبین: این دو شخصیت در ابتدای داستان، بصورت ناشناس وارد عرصه نبرد می‌شوند و

خود را نقابیان و از سپاه مغرب معرفی می‌کنند:

نه سلّم تاینه ئی مه مغرب ولّاتهن ژه نه زه لّ پیمان نقاب خلّاتهن (۲۷۳۰ / ۱۸۷)

aslem tāe' fae' mayreb welātan ža azal pymān neqāb xeļātan

در نبردی میان آن‌ها و فرامرز مدعی می‌شوند که جهانگیر فرزند رستم کشنده پدر آن‌هاست و آن‌ها نیز به خون‌خواهی پدر راهی نبرد با سپاه ایران شده‌اند. در ماجرای نبرد «رستم و زنون دیو» که رستم به دست زنون جادو زبون می‌گردد، این نقابیان به یاری او آمده و باعث رهایی می‌شوند، اما با پهلوانان ایرانی مبارزه می‌کنند که عاقبت توسط زال شناسایی می‌شوند و تا پایان در کنار دیگر قهرمانان اصلی داستان حضور داشته و در پیشبرد حوادث داستان مؤثر هستند و نقش آفرینی می‌کنند.

زال: پدر رستم و پیر خرد در این منظومه است که با عنوان «زال زر» و «پیر زرهانی» از او نام برده

شده است:

زال زهړ نه وچا وه ده وان دهو خه بهر کیانا په ئی شاه خه سره و (۷۴۶ / ۶۴)

zāl zař naw jā wa dawān-e daw xabar kyānā pae' šāh-e xasraw

هوریزا وه پا پیر زرهانی تنه پوشا وه بهرگ جامه ئی نه هانی (۳۴۳۱ / ۲۳۰)

hore'zā wa pā pyr-e zařhāni tan poušā wa barg-e jāmae' nahāni

زال در داستان شخصیتی منحصر به فرد دارد و تنها پهلوانی است که نبردی فیزیکی یا تن به تن انجام نمی‌دهد؛ اما در اکثر صحنه‌ها حضوری پررنگ دارد. می‌توان گفت او در کنار قهرمان اصلی داستان (رستم) نماینده خرد است و نقشی پررنگ‌تر از دیگر شخصیت‌های حماسه دارد. هر جا که رستم و فرزندان در مهلکه‌ای افتاده و گرفتار می‌شوند که از آن گریزی نیست، این زال زر است که با نیروی خرد، دعاها و مناجات‌هایش به درگاه خداوند، گره‌گشای مشکلات فرزندان خویش است؛ چنان‌که در نبرد «رستم و زنون» زمانی که عرصه بر رستم تنگ شده و راه چاره را بسته می‌بیند، با نیایش به درگاه خداوند، پیروزی او را از خداوند استمداد می‌کند.

زواره: برادر بزرگ رستم و فرزند زال است که در این منظومه با صفاتی چون «زورمیش، زورچه‌نگ و سه‌ره‌نگ» از او نام برده شده است. زواره نیز خصائل دارد که از اولادان سام نریمان انتظار می‌رود، با این تفاوت که شجاعت و نیروی او در حد برادرش (رستم) نیست:

راهی بی وه عهزم ولات هرومان (۸۴۴/۷۱)	زه‌واره‌ی زورمیش چهن باد ده‌مان
zawārae' zourme'st Ĉan bād-e damān	fāhi bi wa azm-e wełat-e houmān
ماوه‌روود وه دیل پیران تون‌خوو (۹۰۳/۷۴)	زه‌واره‌ی زورچه‌نگ سام کینه‌جوو
zawārae' zourĈang sām-e kynajou	māwaroud wa dyl pyrān-e tonxou

ب) قهرمان‌های فرعی: علاوه بر قهرمانان اصلی که شخصیت پیچیده‌ای دارند، گاه قهرمانان و پهلوانانی هستند که شخصیتی ساده و کلیشه‌ای دارند و ممکن است حضورشان در داستان مداوم نباشد، اما در برهه‌ای خاص در داستان ظاهر شده و بخشی از کنش‌های داستانی، حوادث و رویدادهای داستانی حاصل نقش‌آفرینی آن‌هاست. معروف‌ترین این شخصیت‌ها (قهرمانان) فرعی عبارتند از:

سام: پهلوان جوان ایرانی و فرزند فرامرز است که چون نیاکان خویش، دارای نیروی بسیار است و در رستم‌نامه بیشتر با نام «سام یه‌ل سانی» از او یاد می‌شود:

شیرِی نه عالَم وِینه‌ی نهؤ که‌مهن (۱۲۱/۳۰)	یه سام سانی نه‌وه‌ی روسته‌مهن
ya sām-e sāni nawae' fōstaman	še're' na ālam we'nae' aw kaman

فرامرز در ابتدای داستان پدر و عموی خویش (جهانگیر) را همراهی کرده و با سپاه اندک هزارنفری خود در برابر لشکریان عظیم توران مقابله می‌کند که در این نبرد سپاهیان ایران کشته شده و او که به شدت زخمی است، به همراه پدر و عموی خویش در برابر دشمن پایداری می‌کنند که با آمدن رستم به یاری آن‌ها از مرگ حتمی نجات می‌یابند. وی در اکثر صحنه‌های داستان حضور داشته و مثل اعلای جوان پرشر و شور ایرانی است.

بیژن: فرزند گیو است، او هنگامی که به عنوان پیک، برای گرفتن خراج و مالیات به نزد بهتون‌شاه می‌رود، خود را «دختر زاده و پور دلیر گیو الف‌چم» معرفی می‌کند. بجز مواردی اندک که شاهد حضور او در نبردها هستیم، اکثر مواقع فقط نام او از زبان دیگر پهلوانان شنیده می‌شود:

بیژه‌نم بیژن دوخترزای روسته‌م	فهرزه‌ند نازار گیف نه‌لف چه‌م (۳۵۷۶/۲۳۹)
farzand-e nāzar giv-e alef Ĉam	bižanem bižan doxtaržae' fōstam

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی ۹

کیخسرو: ظهور این شخصیت در این حماسه اندک است. چون شاه است و از فرّه ایزدی برخوردار؛ لذا مستجاب‌الدعوه است و هنگامی که پهلوانان ایرانی دچار مشکل شده و در تنگنا قرار می‌گیرند، به دعا و مناجات متوسل شده و دعایش مستجاب می‌گردد:

وه پائی پیاده وه فه‌رق بین تاج دوعاش ژه قابی قودره‌ت بی ره‌واج
ندائی ئاما سه‌ر هوور دار نه خاک فرسه‌ته‌ن روسته‌م زنون که‌ئی هلاک (۲۹۴۲، ۲۹۴۳/۲۰۱)
wa pǎe pe'ǎda wa farq-e be' tǎj doǎš ža qāpi qwedrat bi rāwaj
nedǎee' āmā sar hor dār na xāk fersatan fōstam zenoun kae' he'ǎk

تنها در یک مورد به میدان می‌رود که با افراسیاب نبرد می‌کند. او که افراسیاب را کشنده پدرش سیاوش می‌داند، به خونخواهی پدر به میدان نبرد با او می‌رود:

خه‌سره و شنه‌فته‌ش په‌ئی خوون بابووش گیلیا ژه رینگ شاه تلاپووش
خورووشا به جووش شاه دلآور تاج وه‌ست نه روئی خاک وه قین به‌ست که‌مه‌ر (۲۰۶)
(۳۰۱۶، ۳۰۱۷)

xasraw šenafteš pae' xü n-e bābouš gylyǎ ža řang šāh-e telǎpouš
xweroušǎ ba jouš sāh-e de'ǎwar tǎj wast na fo'e' xāk wa qin bast kamar
گیو: فرزند گودرز و داماد رستم است که در چند جای منظومه از او نام برده شده است. او نمونه کسانیی است که یک زندگی عادی دارند، وی چند مورد به عنوان پیک از سوی کیخسرو فرستاده می‌شود و در اثنای این رسالت‌ها چندین بار به میدان می‌رود و با سپاه دیوان مبارزه می‌کند.

۲. ۱. ۲. ضد قهرمان (Unti Hero):

شخصیتی که در منظومه حماسی رستم‌نامه در برابر قهرمان است، موجودی اهریمنی و «دیو» است که با قهرمان حماسه نبرد می‌پرکند. «دیو، واژه‌ای هند و اروپایی است که در پهلوی «دو=dev» و در صورت اوستایی «دئو=daeua» و در سانسکریت به شکل «دوا=deva» به کار رفته است. تنها در فرهنگ و زبان‌های ایرانی است که این واژه معنای وارونه یافته و در معنی «اهریمن» به کار رفته است. کلمه «دیو» نزد زردشتیان باختر و خاور در آغاز بر خدایان دشمن اطلاق می‌شد و سرانجام، به دنبال یک تحول کند و دراز مدت غولان و موجودات اهریمنی دیگر نیز در شمار دیوان قرار گرفتند، در فرهنگ اسلامی بخصوص در کتاب‌های حیوان‌شناسی عربی، از دیو به «عفریت» یاد شده است. در ادبیات فارسی به جز شاهنامه، پیرامون دیو و پری کمتر سخن رفته و آنچه هست اغلب جنبه نمادین دارد (رک. یاحقی، ۱۳۶۸: ۳۷۲) این شخصیت

جلوه‌گاه صفات و ویژگی‌های اهریمنی است و از این نظر نقطه مقابل قهرمان به حساب می‌آید که نیرنگ‌باز و توطئه‌گر است و در پشت فریب و نیرنگ پنهان می‌شود. او با وجود ترسی که در دل دارد به میدان آمده و هم‌آورد می‌طلبد، گاه نیز با انگیزه‌های نفسانی و گاه به منظور کاستن قدرت و شایستگی قهرمان با او درگیر می‌شود. ضد قهرمان در این منظومه حماسی کسی است که باید در مقابل قهرمان شکست بخورد.

الف) ضد قهرمان‌های اصلی: ضد قهرمان شخصیت یا شخصیت‌های داستان و نمایش‌نامه است که مخالف و معارض شخصیت قهرمان هستند. از برخورد و تعارض میان این دو شخصیت (قهرمان و ضد قهرمان) کشمکش پدید می‌آید. شخصیت مخالف، بد یا خوب، در هر صورت هم‌حسی خواننده را در کنار خود ندارد (رک. داد، ۱۳۷۸: ۱۸۱). آنچه که باعث شده در حماسه رستم‌نامه ضد قهرمانان اصلی نقشی برجسته‌تر نسبت به دیگر ضد قهرمانان داشته باشند، نیروی خارق‌العاده‌ای است که دارند و حتی تا مرز نابودی قهرمان اصلی پیش می‌روند. همانند: نبرد زنون دیو در برابر رستم که قهرمان اصلی داستان است:

افراسیاب: پادشاه توران یکی از دو شخصیت انسانی در این منظومه است که نقشی ضد قهرمان دارد. او خبث طینت دارد و برخوردار از نیروی پلیدی و اهریمنی است. آغازکننده جنگ با ایرانیان است و به واسطه کینه‌ای که از ایرانیان دارد، مدام در فکر حمله به ایران و مرزهای آن است. این پادشاه پس از شکست سختی که از ایرانیان می‌خورد، به پادشاه دیوان یعنی غورث‌شاه پناه می‌برد و از او امداد و یاری می‌طلبد:

شای نه‌افراسیاب له‌شکه‌ر ناوردن کوس کاووسی وه نه‌سیر بردن (۱۵۱۷/۱۰۹)

šāē afrāšyāb laškar āwerden kous-e kāvousi wa asir berden

شای نه‌افراسیاب فراریش کردن په‌ناهش وه به‌خت غه‌وره‌س شاه بردن (۱۷۲۵/۱۲۱)

šāē afrāšyāb farāryš kerden panāheš wa baxt-e qawras šah berden

پیران ویسه: وزیر دانای افراسیاب و پسر عموی اوست، پیران در شاهنامه حکیم طوس پیری است خردمند که سعی در برقراری صلح و آشتی و جلوگیری از خون‌ریزی و کینه‌توزی دارد؛ اما در در رستم‌نامه الماس‌خان، پیران و افراسیاب آغازگر جنگ میان دو سپاه ایران و توران و سپاه ایران با سپاه دیوان است، در این منظومه از او با صفات مثبت «عقل، خرد، تدبیر، هوش،...» و صفات منفی «پرفن، فن‌باز، فتنه‌جو، شوم،...» نام برده شده است:

قه‌لم گرد وه ده‌ست پیران پره‌وش نامه نویسا وه جووش و خوروش (۹۱۰/۷۴)

qālam gerd wa dast pyrān-e peš houš nāma newysā wa jouš-o xorouš

بواچه وه شاه پیران پرفهن سه‌حهر نه‌وره‌دهن وه بی‌چون‌چهن (۲۷۰۰/۱۸۵)

bewāča wa šāh pirān-e peš fan sahar nawardan wa be' čoun-e čan

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس‌خان‌کندوله‌ای کرمانشاهی ۱۱

پیران در این منظومه علی‌رغم برخورداری از عقل و خرد، سعی در جنگ‌افروزی دارد که شخصیتی برخلاف شاهنامه فردوسی است. او در این منظومه در شناساندن پهلوانان ایرانی به سپاه دیوان ایفای نقش می‌کند و بیشتر نقش معرّف دارد که به گونه‌ای نماینده تدبیر افراسیابی است.

زنون: این دیو پاشاه قاف و برجسته‌ترین شخصیت ضد قهرمان در این منظومه است. او از نیروی فوق‌العاده‌ای در نبرد برخوردار است و در نبردهایی که با رستم دارد، او را تا مرز شکست و نابودی پیش می‌برد:

مِه‌وَاجَن زَنُون پادشای قافَن	ساحب تپ و سان مهرد مه‌سافَن
دیو سه‌همناک مه‌ردم فه‌رِیَوَن	په‌هله‌وان قاف زنون دیون (۸۹۷، ۸۹۸/۷۴)
mawāĉen zenoun pādešāe' qāfan	sāheb-e tip-o sǎn mard-e masāfan
de'w sahmñāk mardem farywan	pahławān-e qāf zenoun-e de'wan

او رستم را کمتر از خسی می‌خواند و تنها ضد قهرمانی است که قدرتش بر رستم می‌چربد و این به خاطر تکیه بر نیروی اهریمنی و جادوگری است که از آن برخوردار است؛ اما این نیروی اهریمنی در مقابل نیروی اهورایی رستم و نیایش زال و کیخسرو به درگاه خداوند ناچیز است و در نهایت پیروزی به نفع رستم رقم می‌خورد.

غورث‌شاه: الماس‌خان در رستم‌نامه، غورث‌شاه را «شاه‌قله‌ی قاف و شاه دیوان» معرفی می‌کند. او نیز همانند دیگر پادشاهان تورانی ضد قهرمانی است که در نقطه‌ی مقابل ایرانیان قرار می‌گیرد و از عقل و خرد دور و دارای نیروی اهریمنی است. پادشاهی که با شنیدن سخنان افراسیاب، از زبان قاصد، بدون این‌که از ایران کنشی علیه خود دیده باشد، به صرف ذات پلیدش آماده نبرد با سپاه ایران می‌شود و سپاهی سنگین و سهمگین روانه نبرد با ایرانیان می‌کند و فرماندهی این سپاه عظیم را به «زنون دیو» می‌سپارد:

نویسا پهری شاه‌قله‌ی قاف	شاه‌نشای دیوان شیر بی‌گه‌زاف (۹۱۱/۷۴)
newisā pari šāh-e qwelae' qāf	šahanšāe' de'wān šē-r-e be' gazāf

عظیم‌شاه: یکی از چندین پادشاهی است که بر سپاه دیوان حکم می‌رانند. او از عمری طولانی برخوردار است و هنگامی که خبر شکست «غورث‌شاه و زنون دیو» از سپاه ایران توسط پیران به او می‌رسد، به پیران می‌گوید که در طول عمر پانصدساله‌ای که داشته، هنوز اسمی از ایران و ایرانی به گوشش نخورده است. در نهایت نیز به دست رستم پهلوان ایرانی کشته می‌شود:

عظیم‌شاه و اتش پانصدساله سالم پا نه رکابم ساحب نقبالم

گاگا نام توور نامان وه گووشم ژه نام نیران من فرامووشم (۳۵۱۴، ۳۵۱۵ / ۲۳۵، ۲۳۶)
 azimšāh wāteš pšnsada šālem pā na fekabem saheb eqbālem
 gā gā nam-e tour āmān wa goušem ža nām-e e'erān men farāmoušem

بهتون شاه: الماس خان بهتون شاه را شاه چین یا دیوان چین معرفی می‌کند. پس از شنیدن حرف‌های افراسیاب، عظیم شاه او را راهی ایران می‌کند. او به سرداری سپاهی صد هزار نفری و به قصد خون‌خواهی غورث شاه و زنون دیو عزم خود را جزم کرده و آمادهٔ مقابله با سپاه ایران می‌شود. او هر چند سرداری سپاه عظیم شاه را بر عهده دارد؛ اما نیروی پهلوانی او بجز زنون دیو بر دیگر دیوان این حماسه می‌چربد که در نهایت به دست فرامرز هلاک می‌گردد:

بوھتوون ته‌له‌ب کرد په‌ئ مه‌ساف شوور واتش په‌هله‌وان ساحب زات زوور (۳۵۳۴ / ۲۳۷)
 شاه بوھتوون چینی رۆ نه نیران کهرد خه‌به‌ر نه‌داشتش ژه شیران مه‌رد (۳۵۴۰ / ۲۳۷)
 wāteš pahfawaān saheb zāt-e zour bohtoun taḥb kerd pae' masāf-e sour
 xabar nadāšteš ža še'rān-e mard šāh bohtoun Ćyni fū na e'erān kard

ب) ضدقهرمان‌های فرعی:

شخصیت‌هایی هستند که به نسبت شخصیت‌های ضد قهرمان اصلی در رستم‌نامه، حضوری کم‌رنگ دارند و بر روابط و اعمال آنان تأثیر می‌گذارند و اهمیت آن‌ها به مراتب کمتر از شخصیت‌های اصلی است، در واقع باید آن‌ها را نیروهای کمکی تلقی کرد که در پیش‌برد هدف به شخصیت اصلی یاری می‌رسانند. گاهی در یک زمان خاص ظهور و در همان زمان نیز افول می‌کنند.

صمصام: از دیوان حماسهٔ الماس خان است که زمان ظهور او در این حماسه، دوران پادشاهی طوس بر توران است. او که با شنیدن اوصاف زواره از زبان پیران خشمگین شده، آماده نبرد و رویارویی با زواره می‌شود و پس از رجزخوانی فراوانی که می‌کند، علی‌رغم برخورداری از نیروی اهریمنی، عاقبت مغلوب زواره‌گشته و کشته می‌گردد:

زه‌واره‌ئ زوور میتشت نه‌وه‌ئ نامدار سه‌مسام مه‌لعون کردش نگون‌سار (۱۲۱۲ / ۹۲)
 zawārae' zourme'št nawae' nāmdār samsām maloun kerdeš ngounsār

قهاردیو: پهلوان سپاه غورث شاه است که بعد از کشته شدن صمصام به دست زواره، به فرمان شاه راهی میدان می‌شود، اما توان مبارزه با او را ندارد و فرار می‌کند. زواره در پی او می‌رود و او را به قتل می‌رساند:

قهرمان و ضد قهرمان در حماسه «رستم‌نامه» الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی ۱۳

باوهره‌ی وه زوور زهواره‌ی ده‌بان (۱۲۷۴ / ۹۵)

غه‌وره‌س وات قه‌هار بچوو له مه‌یدان

qawras wāt qahār bečou la maē dān

bāwarae wa zour zawārae' babān

سالوس دیو: پس از قتل صمصام دیو و قهاردیو توسط زواره، غورث‌شاه خشمگین شده و پیران را به باد انتقاد می‌گیرد، پیران به او پیشنهاد می‌کند تا تمامی سپاه بر زواره یورش برده و او را سرنگون سازند که غورث برخلاف پیشنهاد او سالوس دیو را به میدان فرستاده و او را مأمور انتقام خون (قهار و صمصام) می‌کند. در نبردی که میان سالوس دیو و سپاه طوس به سرداری زواره درمی‌گیرد، زواره او را می‌کشد:

پیکا وه قه‌لحان نه و مه‌رد گو‌مرا

زه‌واره گورزه‌ش برد له پوئ هوا

مه‌له‌ک وات سه‌ده‌ق نه‌وه‌ی زال پیر (۱۰۱)

دا نه‌فهرق سه‌ر دیو مه‌یدان‌گیر

(۱۳۷۸، ۱۳۷۹)

zawāra gwerzeš berd la fōue' hwā

pekā wa qałxān aw mard-e gwemrā

dā na farq-e sar deē'w-e maē dāngir

malak wat sadaq nawaē' zał-e pir

فرطوس دیو: این دیو ضد قهرمان، سردار سپاه بهتون شاه است که از نیروی زیادی برخوردار است. زمانی که ده تن از پهلوانان ایرانی شبانه به اردوی دشمن می‌روند، او یک تنه در برابر آن‌ها ایستاده و پهلوانان ایرانی را مغلوب و اسیر کمند خویش می‌کند، با فرار یکی از پهلوانان و خبربردن برای فرامرز و آمدن او به امداد آن‌ها، نبردی تن به تن با فرامرز دارد که سرانجام شکست خورده و اسیر کمند فرامرز می‌گردد:

ژه سپا‌ی بوه‌تون فه‌رتووس دلیر
ناما پروو برووی ده‌ته‌ن نه‌ره‌شیر (۳۶۴۸ / ۲۴۴)

ژه سپا‌ی بوه‌تون فه‌رتووس دلیر

Ža sepāe' bohtoun fartous-e dele'r

āmā fōube'fōue' dah tan na'faše'r

بن‌نه‌رس لیشان په‌ها بی ژه به‌ند (۳۶۵۸ / ۲۴۵)

ده‌ته‌ن دلیران ناورد وه که‌مه‌ند

dah tan dele'rān āwerd wa kamand

benawras le šān fāhā bi Ža band

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل شخصیت قهرمان و ضد قهرمان در منظومه حماسی رستم‌نامه الماس‌خان کندوله‌ای کرمانشاهی نشان می‌دهد که چشم‌گیرترین ویژگی مشترک قهرمان داستان با ضد قهرمان، جنگاوری و بهادری است و اعمال قهرمانی که از دیوها سر می‌زند، همان اعمالی است که از شخصیت‌های انسانی دیده می‌شود؛ چنان‌که اعمالی چون نبردهای فیزیکی و تن به تن و استفاده از ابزارآلات جنگی و دیگر

شیوه‌های جنگاوری در بین آنان مشترک است. اصلی‌ترین قهرمان این منظومه رستم است؛ اما این شخصیت به مرز «قهرمان آرمانی» در ذهن خواننده نمی‌رسد؛ چرا که گاهی در او ضعف‌هایی مشاهده می‌شود. خصوصیت بارز قهرمان در رستم‌نامه علاوه بر آزمون نبرد، گفت‌وگو با سپهر بلند و چرخ گردون و خواب‌های صادقه‌ای است که ارتباطی آنسری است. قهرمان غالباً در هاله‌ای از عظمت و وقار احاطه است که گاهی در نبردها برای پیروزی دست به سلاح نمی‌برد. ضد قهرمان در منظومه حماسی رستم‌نامه، موجودی اهریمنی و «دیو» است که با قهرمان حماسه نبرد می‌کند ولی در مقابل او شکست می‌خورد. این شخصیت جلوه‌گاه صفات و ویژگی‌های اهریمنی است که نقطه مقابل قهرمان است. او نیرنگ‌باز و توطئه‌گر است که در پشت فریب و نیرنگ پنهان می‌شود، او با وجود ترسی که در دل دارند به میدان آمده و هم‌آورد می‌طلبند و سرانجام شکست می‌خورد که کشته و یا هزیمت می‌گردد. ضد قهرمان گاه با انگیزه‌های نفسانی و گاه به منظور کاستن قدرت و شایستگی قهرمان با او نبرد می‌کند.

کتاب‌نامه

- آزادی، سکینه، (۱۳۸۸)، بهمن و فرامرز الماس‌خان کندوله‌ای، (پایان‌نامه)، ایلام: دانشگاه ایلام.
- داد، سیما، (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- سلطانی، محمد علی، (۱۳۷۲)، جغرافیای تاریخی و مفصل کرمانشاهان، تهران: موفق.
- صالحی، ملامحی الدین، (۱۳۸۰)، سرود بادیه، سنندج: کردستان.
- غفوری، فاطمه، (۱۳۸۸)، شاهنامه از دیدگاه داستان‌شناسی، قم: انتشارات استاد مطهری.
- گجری، امین، (۱۳۷۳)، تدوین شیرین و فرهاد الماس‌خان کندوله‌ای، قم: سینا.
- گراوندی، شهناز، (۱۳۸۹)، رستم‌نامه الماس‌خان کندوله‌ای، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶)، عناصر داستان، چاپ سوم، تهران: سخن.
- ووگلر، کریستوفر، (۱۳۸۷)، سفر نویسنده، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یزدان‌پناه، مجید، (۱۳۸۴)، تدوین رستم و زنون الماس‌خان کندوله‌ای، کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.